

شناسنامه نسخه های عکسی

شماره ۱۷۸
۱۹

عنوان: احوال مهدي آخرالزمان (اعتقلا - فارسی)

مؤلف: علاء الدین علی بن عبدالملک مهوری متقی هندی

عکس از کتابخانه: مرعشی
نسخه شماره: ۵۲۴
تعداد صفحات: ۱۴
تاریخ عکس: ۱۳۷۷ - ۱۳۷۸ - ۱۳۷۹

ملاحظات:

نسخه دوم

فیش برای نسخه های عکسی

نسخه اصل

فتوکپی تهیه شده

محقق: محمد قنبری

چاپ شده در:



وَقَفَّيْنَا لَمِيزَانَ غَازِيٍّ بِاللَّفْكَرِ الْقَرَّانِيِّ
GHAZI TRUST
FOR QURANIC THOUGHT

اللَّهُ عَلَيْهِ وَالرُّسُلُ بَارِكُوا لِعَيْنِي مُحَمَّدٍ وَعَبْدِ الرَّسُولِ وَتَوَلَّدَ لِي فِي
مَدِينَةِ الشَّامِ فَهَذَا ظُهُورُهُ وَأَزْرَاقُهُ بَارِكُوا لِي بِشَدِّ وَبِحَبْرَتِهِ
سَوِيَّاتِ الْمَقْدَسِ بَارِكُوا لِي بِمَا نَجَّى بَرَكَةَ خَوْفِ عَمِيرٍ وَوَدَّ كَتْفِ
لِوَعْلَامَتِهِ بِشَرِّهَا نَجَّى فِي كَتْفِ بَارِكُوا حَضْرَتِ بَهْرَمَنْدِ عَالَمِ
صَالِحِ الشَّعْبِ وَالرُّسُلِ بَارِكُوا لِي بِرُؤْيَا أَوْجُوحِي كَسْرُهُ
وَدُخْرُ شَنْدِهِ بَارِكُوا لِي بِشَيْءِ أَوْلَادِهِ بَارِكُوا لِي بِرَأْسِهِ
بَارِكُوا لِي بِرَأْسِهِ بَلْبَلْدَةٍ نَمَائِدِ كَمَا نَبْرُوهَا وَرَأْسِي
أَبْرُوهَا وَجَمْعُهَا أَوْ فَرَاغِهَا بَارِكُوا لِي بِرَأْسِهِ وَفَرَاغِهَا
فَرَقِي بِشَدِّ بَعْضِ نَسَبِي بِرَأْسِهِ بَارِكُوا لِي بِرَأْسِهِ
عَرَبِيٍّ بَارِكُوا لِي كُنْتُ كَلِمَةً وَجَمْعُهَا أَوْ فَرَاغِهَا
يَعْنِي دَرْجَتِي وَطَوْلِي سَادِرِي بِرَأْسِهِ بَارِكُوا لِي بِرَأْسِهِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على سيدنا محمد وآله
وصحبه أجمعين . . . حسين مكيو يدي فقير حقير علي بن محمد
الشهور بالتقوى / از خروج و ظهور امام محمد مهدي صاحب
الزمان عليه السلام شخصت علامات است در چهار فصل بيان
كرده ميشود و از احاديث و آثار فارسي كرده شده است
تا مستدبان فایده بینند . . . در حله و نسیب
از شانه او است از رسالات حسینی باشد و نام
او و نام پدر او موافق نام حضرت رسالت پناهی است

سیاه باشد و همچنین سر کف دست در دست نیز باشد و لکنست
در زبان او باشد که در وقت سجده کف دست بر زمین
را تویی چپ نهاد نگاه کنی تو آنرا گفت و در میانم دو
ز انومی او کتاد که و بعد می باشد و لب و دهانش باشد
جسمانی او کرم رنگ خلقتی باشد و در وقت ظهور
سک تا چند سال باشد و در میان کرم تا یک
او بد آن خصوص باشد یکی از کرامات او آنست که هر که از وی
علاقه می برد آن دعوی او بطلند اشراف بر برنده کند
پرتله بیاید و بر دولت بنشیند و چه چیز خنجر خشک در
زمین بنشیند نه فی الحال کسیر و بر که در مشوره در قلوب و
حصار یک دفع کنی بهین که کسیر و بر و نیوار با خود می سفید

و هر که در این بخش در آن فرشته است و در این
میل است و این کتب در دست آن او را بر خود
تا غیر بنشیند و شود و یکبار هر که در آن لب بر سر بنشیند اگر
بر سرش از حضرت بر علی السلام باشد و عقب یعنی
دم دارد باشد او حضرت میکان علی السلام باشد و در
بزار در شهر قم است علامه ایلامی باشد و در زمین او
که سفند با کرم کچر و دو کوه کال با طرد و کثرت بازمی کنند
و در زمین خرمینهای خود مثال کتون زر و نقره میوه اندازد
و در زمین بیکت پیدا آید یک طرد به فود مدبر و دید و دلها
مردمان چنان سخن کند از فقری نیامدند تا کوه قبول
کند نسیر سیر در آن زمینها کرم پیش از ظهور و در عالم

پسید اشعور علی انکه سیدی بی کینتاش میانه جلاله
و نخواستن بر این کشته شده پیش از نظم در اولی می شد کلام
ادسفیانی بود از اولاد ابو سفیان عادت شوی بر ای طلب
مندی لشکر می عظیم بودست چون در غایب می کردند آن
محل پیدا است در میان ملک و مدینه شکر فیه لغت تمام شکر او
در زمین فرود رود و کس سلامت مانند یکی خبر بدید سفیان
برود و یکی خبر خوش بر او می دهد در ملک جدار که آید
از آن مردمان بیعت کنند و مهادی از ملک مشرف جهت
جنگ سفیانی بیرون آید آخر کار سفیانی را دوج کنند
دیگر آنکه دینی باشد از نام آن هر کس باشد بی شکر
نام آن شهر غوطه باشد آن تمام در زمین فرود دیگر

آنکه در ده در میان در شب اول کسوف ماه شین و در نیم
کسوف تمام کشته و خلاف قاعده نجومیان می دانست
در بار کسوف قمر شوی هر یک دیگر آنکه گفته در مدینه
واقعه کشته شد ای زیت از در مدینه اند غرق خون
کردند و خلق از مدینه سو و مقداد و فرسنگ بعد از
مهادی بر زمین آید دیگر باوشه شام عبادت مگر
با هم جنگ کنند از این شام چند قبیلگی اهل کربلا
گیرند و دیگر آنکه از جانب مشرق مرده می پیدا شود
او میر قهای کسوف کشته باشد شکر بسیار بر ای عادت
مهادی دیگر آنکه اهل بر طرف مخم بر وند دیگر آنکه
تاریکی در عالم پیدا شود چنانکه در و باز در شام

و بگر آنکه پیش از همدی هر مصلی هر فرزند امر المؤمنین علی
 کرم الله وجهه جمع شوند و بیعت کنند که ای فرزند حق
 بیعت نباشد پس کشته شود یا کبیر و بعد از آن همدی
 ظهور کنند در مدینه و در حیرت نایکه واقع شود از اول
 خروج همدی تا مرگ او یکی است از مکه تا مدینه و
 کعبه در ماه محرم روز عا شوره بعد از نماز عشا در
 تاریخ بعد ما بیعت دو است که اولی از تمام شیعیان
 با یحییان در و اتر و ارد است و سیه و سیزده شهر است
 قوم بعد د اهل بدر او را بیعت کنند در میان رکن
 و مقام ابراهیم علیه السلام و با همدی بیعت حضرت سید
 پناه صلی الله علیه و آله و سلم از صوفی کعبه چهار گوش

بود هرگز بعد وفات حضرت بهتر من عالم صلی الله علیه و آله و سلم
 او را کسی بر پا نکرده تا زمان همدی همدی او را بر پا کنند
 و این بر طریق علم نوشت باشد البیعه لله یعنی بیعت برای
 خدا است و صاحب بصرق همدی شخصی باشد که نام او شعیب
 بن صالح التمیمی اندک ریش باشد و با همدی پیران و متبع
 حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله و سلم باشد پس
 بکلمه نماز طشا گذارده باشند بر منبر سوار شوند و خطبه
 در آن بخوانند و خلق را دعوت کنند سوی طاعت خدا و اول
 خدا و ناصران و یاری کنندگان همدی همیشه از اول
 کوفتیان تا اهل یمن تا ابد است تا همدی همدی را یک
 شود چنانکه حضرت ذوالقرنین و حضرت سلیمان علیهما السلام

مالک شدند و عام عرب خیم سلمانان اور اطاعت کنند
بید جنگ و جدل و علامت کشن سخن بشکر بیان او چون باد
یکی خطه شوند لفظ امت امت باشد یعنی این لفظ
بر آنگویید معلوم کرد در از شکر بیان ممدی است و مدت
سلطنت او بفت کسی باشد در روایتی مشهور آمده
عالم کجای خورشید می کند و خیز مینمای بر در زیر کعبه
مبارک که مد فون است در زمان او میرون آید و مال را برابر
قسمت کنند غنی و فقیر را یکسان بپند و شکر می
بند فرستد و کنجا در آرایش است المقدس صرف کنند
و طور بند بود در گردن طوق نهد پیش او بپارند و بسیار
شهر با و قلع با در زمان او فتح شود خصوصاً این است

شهر یکی قسطنطنیه دوم رومیه سوم قاطع پس چون بگری
فتح قسطنطنیه نماز دریا برسد میران خود در زمین فرو کنند
تا وضو سازد جهت نماز فجر آب از دور دور رود
ایستد نیال آب برود تا بکناره دیگر برسد میند که تمام
در باغ شکر شده شکر خود را آواز کنند همه شکر بیان
زمین خشک بکند زند چنانچه بنی اسرائیل در زمان موسی
صلوات الله علیه سلامه از دریا گذشتند بعد از آن
ماه بدست نظیر شود و تکبیر بگوید دیوارهای قلع خود
خوب بپسند و این شهر فتح کنند پس جانب رومیه که در
صله بازار است و در هر بازار صد هزار دروگان است
اورا نیز چهار تکبیر بگوید فتح شود و شکر صد هزار کس

شکر



بگشود درین شهر از زاین بیت المقدس قیامت
 در و سکنه بود چنانچه در قرآن مجید وارد است ان
 يَا تَيْبِكُمُ الدَّابُّوتُ فِيهِ سَكِنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ
 بَقِيَّةُ مَا تَرَكَ آلُ مُوسَىٰ وَآلُ هَارُونَ
 این تابوت را در مایه دینت اسرائیل با چهای لوح توره
 و صلواتنا آدم و عیسیٰ موسیٰ و غیر مسلمان صلوات الله
 علیه جمعی از بعضی ازین که بر بنه اسرائیل نازل شده
 بعد سفیدتر از شکر و شیرینتر از شکر است این چیزها
 بعد از شهر رومیه بدرگتند پس چون بهودان
 تابوت را بینند همه سلام آرند مگر آنکه کی بعد از آن
 بطرف شهر قاطع که بر کناره دریای سبز که کرد و بر

دنیا است متوجه شو و طوالت شهر هزار میل و عرض آن
 پانصد میل و مراد از سینه و شصت در وازد باشد از هر
 هزار جنگ جو بیرون آیند آن شهر را نیز بجای از کسیر فتح کند
 بعد از آن در بیت المقدس قرار گیرد خبر آید در حال سرد
 آمد متوجه بیت المقدس شود مسلمانان لا کفر دلخند قحطی
 سخت متوقع شود در مسلمانان زه کمان را بخورند و به تسبیح و
 تهلیل و تکبیر زنده مانند مدینه حالت عیسی صلوات الله
 علیه و سلام فرود آید وقت صبح روز جمعه چون مهدی
 ایشانرا بشناسند گوید پیشش شوا امامت بکنه حضرت
 عیسی صلوات الله علیه گوید باین نماز برای اقامت کرده
 شده تو بکنی آن نماز را حضرت عیسی صلوات الله علیه





وسلامه در نبال همدی بگذارد و باقی نماز تا امدی دنبال
 عیسی علیه السلام بگذارد المقصود چون از نماز صبح فارغ
 شود حضرت عیسی علیه السلام فرماید که در حوازه شرف باز
 کنند و نظر دجال بر حضرت عیسی علیه السلام بیفتد بگذارد
 چنانچه علی یعنی نمک در آب گدازد پس حضرت عیسی علیه السلام
 برسد او را زخمی بکند و او را و لشکر او را اسلاک گرداند
 بعد از آن عیسی علیه السلام تا آنکه راهی به جهنم رسید
 یا دشاهی بکند همچو بادشاهی همدی بعد از آن که توجع
 ما جوج پیدا شوند لشکری بجد از فرزندان آدم باشند
 که چو کشت یک شیر باشد و نیز از ایشان شیر باشد
 عالم خراب گنستند و حضرت عیسی صلوات الله علیه سوار بر کوه ظهور

حکم کنند با شدت تمام پس خدای تعالی مسلمانان را از شر
 ایشان خلاص کند بدعا می عیسی علیه السلام و ایت نماز است
 که کند و تفصیل اینست قهراً یا در محض خود گفته شد بعد
 از آن دایه الارض پیدا شود بعد از آن آفتاب از مغرب
 طلوع کند بعد از آن در توبه بسته شود و قرآن برده شود
 شود و بعد از آن کعبه شریفه را اهل حبهت ویران کنند
 و بعد از آن قیامت قائم شود و العلم عند الله
 تحت تمام شد رساله از حوال همدی آخر الزمان بتاریخ
 بیست و هشتم ماه ربیع الثانی سنه ۱۲۸۱ هجری قمری
 وقت دوازده ربیع الثانی سنه ۱۲۸۱ هجری قمری
 عبد الرحمان زیور احتتام نوشتید